

آسیب‌شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان

خسرو نظری^۱، اسد حجازی^۲، محمد حسین مجبی^۳، فرشته صناعی^۴، مهدی قاسمی^۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهر مسجد سلیمان در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ که به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای تعداد ۳۶۳ دانش‌آموز و ۲۴۶ معلم انتخاب گردید. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خسروی و همکاران (۱۳۹۳) استفاده شد. برای سنجش روایی از نظرات پنج نفر از متخصصان حوزه برنامه ریزی درسی و علوم تربیتی استفاده گردید و جهت سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید و نتایج مطلوبی بدست آمد. نتایج تحلیل‌های آماری با استفاده از آزمون تی تک نمونه حاکی از آن بود که در متغیر دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، در هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان مطلوب گزارش گردید. در مطلوبیت سه متغیر راهبردهای - یاددهی، فضا و زمان درس هنر در هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان عدم مطلوبیت گزارش شد. متغیرهای گروه بندی و ارزشیابی از دیدگاه معلمان مطلوب در حالیکه از دیدگاه دانش‌آموزان نامطلوب گزارش گردید. سه متغیر فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع آموزشی و محتوای درس هنر، از دید معلمان عدم مطلوبیت و از نظر دانش‌آموزان نزدیک به میانگین و متوسط و مطلوب گزارش شد. نتایج این پژوهش به متولیان آموزش و پرورش کمک می‌کند ضمن بازنگری در برنامه‌های درس هنر، سیاست‌گذاری و برنامه ریزی‌های خاصی را برای استفاده بهتر از ظرفیت این درس در توسعه معرفتی دانش‌آموزان و رفع چالش‌های درس هنر در بستر آموزش از دید دانش‌آموزان و معلمان بکار گیرند.

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی درس هنر، راهبردهای یاددهی - یادگیری، اهداف از پیش تعیین شده، فعالیت‌های یادگیری.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول، nazarikey@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. استادیار دانشگاه آزاد واحد مسجد سلیمان، ایران.

۴. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، تهران، ایران.

۵. کارشناس ارشد علوم تربیتی، ایران.

دریافت: ۹۷/۷/۵ پذیرش: ۹۷/۹/۴

مبانی نظری پژوهش

انسان با تکیه بر ذوق فطری خویش و با دیدگاه زیباشناختی توانسته است احساسات و افکار خود را ابراز دارد (منافی؛ منصف؛ یوسف نیا و یاری، ۱۳۹۴) و ذوق، ابتکار، آفرینندگی، بیداری فرهنگی و نگرش دوباره به خویش را گسترش دهد (هوشدار، گرام و تقوایی، ۱۳۹۴). هنر در اشکال مختلف آن فرد را در فرایند تفکری ادراکی، تخیلی، سازندگی، بیانی، اطلاعاتی و ارتباطی درگیر می‌کند و به صورت تعاملی بر غنای تجربه‌ی او می‌افزاید زیرا پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی و منبعی از انواع گوناگون تجربه در محیط خانه، اجتماع و محیط مدرسه است (شرفی، ۱۳۸۶). کودکانی که از آموزش هنر محروم‌اند در واقع روش‌های خارق‌العاده را برای درک خود و جهان پیرامونشان از دست می‌دهند. دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های هنری تخیل، حل مشکلات، تفکر مستقل و تصمیم‌گیری را تجربه می‌کنند. با در نظر گرفتن این دلایل هنر باید نقشی اساسی در برنامه‌های درسی یک نظام آموزشی داشته باشد (حاجی حسینی، ۱۳۸۸). همچنین آموزش فرهنگی، اجتماعی و درسی کودکان می‌تواند با بهره‌گیری از هنر به گونه‌ای سهل‌تر و گیراتر انجام پذیرد. چرا که از عمده‌ترین ویژگی‌های روش هنری آن است که به‌عنوان روشی غیرمستقیم در آموزش و پرورش، بهره‌مندی مخاطبان را از آزادی، تفریح و تنوع عوامل عاطفی و ظرافت‌های فکری و روانی میسر می‌سازد (براتی و سلیمان پورعمران، ۱۳۹۴).

از این رو لازم است تهیه و تولید آثار و پرداختن به فعالیت‌های هنری، خصوصاً برای کودکان و نوجوانان، با دقت نظرانتخاب و با هدایت صاحب‌نظران، مربیان والدین توأم باشد. رویکرد یا همان جهت‌گیری کلی برنامه درسی ملی در درس هنر شکوفایی، تقویت و توسعه‌ی فطرت الهی نظیر خداپرستی، زیبایی دوستی و خلاقیت است. این رویکرد با نگاهی جامع به انسان، زمینه‌ساز رشد متعادل او در چهار عرصه ارتباط با خدا، خود، مردم و خلقت است (شرفی، ۱۳۸۵). لذا نقش و جایگاه هنر به‌طور فزاینده‌ای در زندگی در حال بازشناسی است درحالی‌که انواع هنر موضوعاتی جانبی و حاشیه‌ای در مدارس تلقی می‌شوند (زمانی دارانی، ۱۳۹۵) و یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به هنر نباید به دید یک درس جداگانه نگریست، بلکه باید آن را به‌عنوان اصلی‌ترین شیوه مؤثر در تربیت و آموزش دانست (براتی و سلیمان پورعمران، ۱۳۹۴). از طرف دیگر کتاب‌های درسی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تغذیه علمی نظام آموزش و پرورش، نیازمند استاندارد شدن هستند درحالی‌که نسبت به کتاب‌های آموزش هنر دوره ابتدایی اجحاف شده است (سنجایی و خرم‌آبادی، ۱۳۹۴: ۷۴، شرفی، ۱۳۸۷: ۵۵).

وضعیت محتوای کتاب هنر و چگونگی تدریس آن دغدغه بسیاری از معلمان هنر کشور است و آن‌ها معتقدند که به کتاب هنر دوره ابتدایی توجه نشده و انتظار به حقی است که وزارت آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و تجدیدنظر در تألیف جدید کتب هنر نیاز دانش‌آموزان و معلمان هنر را برآورده سازد، (رضاییان و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۱، زمانی دارانی، ۱۳۹۵، قنبری؛ رحیمی شهواری و جمل نژاد، ۱۳۹۵). تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آنها و ارائه به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه دانش‌آموزی باشد و کتب جدید التألیف باید بر اساس این نیازها تغییر یابند. پژوهش یاسمی، خمیس آبادی و کیان (۱۳۹۳) نشان داد که اهداف برنامه درسی

هنر دوره ابتدایی با اهداف کلی سند برنامه درسی همخوانی داشته ولی در مدارس و مراکز آموزشی کشور و در برنامه‌های درسی، هنر از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. همچنین عباسی؛ طباطبایی و مرتضی (۱۳۹۴) بیان کردند که عدم آشنایی معلمان با روش‌های مناسب تدریس در درس هنر و فقدان امکانات مناسب، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر، بی‌توجهی برنامه ریزان درسی و مسئولین، مانع اجرای صحیح درس هنر هستند. در بررسی دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده درس هنر، پژوهش رحیمی و احمدیان، (۱۳۹۶) نشان داد که میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان دوره ابتدایی در سه حیطة دانش، نگرش و مهارت در شرایط مطلوبی نیست. سنجایی و خرم‌آبادی، (۱۳۹۴) نیز مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی معلمان به درس هنر در دوره ابتدایی را عدم شناخت اهداف درس هنر در این دوره و نداشتن آگاهی و علاقه لازم جهت تدریس درس از سوی معلمان می‌داند. تحقیق رضاییان کوچی و رضایی، (۱۳۹۶) در زمینه منابع و مواد یادگیری نیز نشان داد که در هیچ یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد، گرایش‌های فرهنگی در تمام فصل‌های کتاب گنجانده نشده و باید در تألیف کتب جدید در این موارد تمهیداتی اندیشیده شود که این موضوع در پژوهش افخمی قادی و عارفی، (۱۳۹۶) با تأکید بر کتاب هنر پایه چهارم بیان شده است.

امروزه حتی با توجه به آموزش نوین، کتب درسی سال‌های گذشته پاسخگوی نیازهای امروز نیست و باعث گریز دانش‌آموزان و حتی معلمان می‌شوند و لذا بازنگری و آسیب‌شناسی امری ضروری است (عباسی، طباطبایی و مرتضی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). علاوه بر این، پژوهش زمانی دارانی، (۱۳۹۵) نشان داد که در تدریس درس هنر مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دبیران غیرتخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت درس هنر و نیز سردرگمی دانش‌آموزان در شناخت حوزه موردعلاقه خود از مهم‌ترین مشکلات درس هنر است. ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که معلمان در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است. لذا ارائه آموزش‌های ضمن خدمت تخصصی در درس هنر ویژه معلمان، ایجاد بستر مناسب برای تبادل تجارب بین معلمان، بالا بردن سطح آگاهی والدین نسبت به اهمیت درس هنر را توصیه کرده‌اند.

رستگاری و ناطقی، (۱۳۹۴) بیان کردند، از آنجایی که برنامه‌های تربیت‌معلم، معلمان را برای انتقاد از تعلیم و تربیت آموزش نداده‌اند، پس معلمان به دیدگاه‌های کهنه و قدیمی آموزش پایبند بوده و اعتماد به نفس موردنیاز برای تجربه روش‌های جدید و ناآشنا را ندارند. لذا جهت ارتقای کیفیت آموزش بایستی ابتدا به بازبینی در برنامه‌های آموزشی دانشجو معلمان در مراکز تربیت‌معلم پرداخت و با یک برنامه درسی ترکیب شده با هنر و تدریس میان‌رشته‌ای، زمینه عمیق‌تر شدن تجارب یادگیری معلمان و همچنین دانش‌آموزان را فراهم نمود. همچنین استفاده از درس هنر در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در مدارس کشور ما کارنامه خوبی ندارد (عباسی؛ طباطبایی و

مرتبه، ۱۳۹۴). تحقیق دونینگ^۱ (۲۰۱۵) نیز نشان داد که توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی هسته‌ای، نادیده گرفته شوند و زمان‌بندی قاطع برای دروسی مانند خواندن و ریاضیات، زمان کمتری را برای آموزش هنر باقی می‌گذارد.

لذا کم‌توجهی به کتاب آموزش هنر در دوره ابتدایی تحصیلی کشور ما یک مسئله ریشه‌دار است و این درس را نسبت به دروس دیگر به حاشیه رانده است. درس هنر از جمله درس‌هایی است که مورد بی‌مهری نظام آموزشی قرار دارد و به‌رغم تبلیغات تغییر کتب درسی، در این ماده درسی تغییری قابل ملاحظه شکل نگرفته و دروس آموزشی با دارا بودن مشکلات متعدد هر ساله به دانش‌آموزان ارائه می‌شود (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۰). کم بودن زمان تدریس هنر هم برای دانش‌آموز و هم معلم، کهنگی مفاهیم کتاب‌های هنر که توأم با مشکلات متعددی است و هر ساله تجدید چاپ می‌شود از جمله مشکلات اساسی است که در درس هنر وجود دارد. کهنه بودن مطالب هنری، جذابیت نداشتن مطالب برای دانش‌آموز، عدم برخورداری از امکانات نمایشگاهی آثار هنری در مدارس، عدم توجه مسئولان برای تشویق دبیران هنر به خاطر کم‌اهمیت جلوه نمودن این درس، استفاده از دبیران غیرتخصصی در اکثر آموزشگاه‌ها وجود مشکلات چاپی فاحش در کتاب و عدم ترتیب منطقی مباحث کتاب‌ها از موارد دیگری است که کار کردن با این کتاب را برای معلمان هنر با توجه به پیشرفت آموزش‌های غیررسمی مشکل کرده است؛ بنابراین با توجه به توضیحات داده‌شده، بررسی آسیب‌شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی ضرورتی حیاتی است که هم می‌تواند بخشی از آسیب‌های موجود را از منظر معلمان بازنمایی کند و هم دانش‌آموزان که محور یادگیری نظام تعلیم و تربیت هستند را به واکنش درباره آسیبها و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، را تشویق و ترغیب نماید و از زاویه دید آنها این موضوع مهم مورد بررسی قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی این هدف اصلی است که آسیب‌شناسی درس هنر را از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مورد پژوهش قرار دهد.

سؤالات تحقیق

۱. آیا اهداف از پیش تعیین‌شده درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۲. آیا محتوای درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۳. آیا راهبردهای یاددهی - یادگیری درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۴. آیا گروه‌بندی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۵. آیا مواد و منابع آموزشی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۶. آیا فعالیت‌های یادگیری درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۷. آیا فضای درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟

^۱ Downing

۸. آیا زمان درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
۹. آیا ارزشیابی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهر مسجدسلیمان در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بود. به استناد آمار آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان ۶۴۵۰ نفر و تعداد آموزگاران بالغ بر ۶۸۵ نفر بود. با استفاده از جدول جرسی و مورگان نمونه‌ای با حجم ۳۶۳ دانش‌آموز و ۲۴۶ آموزگار با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد. در نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای افراد جامعه با توجه به سلسله مراتب (از واحد‌های بزرگتر به کوچکتر) از انواع واحدهای جامعه انتخاب می‌شوند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۲). برای انتخاب نمونه دانش‌آموزان، ابتدا ۲۰ مدرسه بطور تصادفی از ۴۰۳ مدرسه انتخاب شد. سپس از هر مدرسه ۳ کلاس درس بطور تصادفی انتخاب گردید با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شد که تعدادی از پرسشنامه‌ها کامل تکمیل نشوند و یا ناخوانا باشند ۴۰۰ دانش‌آموز از این کلاس‌ها بطور تصادفی انتخاب، توجیه و پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. در پایان تعداد ۳۶۳ پرسشنامه بدون خط خوردگی و قابل استفاده بدست آمد. برای انتخاب آموزگاران هم ابتدا ۶۰ مدرسه از ۴۰۳ مدرسه، تصادفی انتخاب شد. سپس از هر مدرسه ۵ آموزگار تصادفی انتخاب گردید. با توجه به اینکه تعداد آموزگاران هر مدرسه تابعی از تعداد کلاس و تعداد دانش‌آموزان بود و این نسبت‌ها متفاوت بود، سعی شد تعداد کلاس‌ها و در نتیجه معلمان بیشتری بطور تصادفی انتخاب گردد که در پایان ۲۵۰ پرسشنامه بدست آمد.

اطلاعات جمعیت شناختی نمونه

برابر اطلاعات دموگرافیک، ۶۰/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۳۹/۴ درصد از آنان مرد بودند. ۷/۷ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم (کمترین تعداد)، ۸۵/۴ درصد دارای تحصیلات لیسانس (بیشترین تعداد) و ۶/۹ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر می‌باشند. همچنین ۵۲/۳ درصد از دانش‌آموزان دختر و ۴۷/۷ درصد پسر بودند. جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی نمونه (آموزگاران و دانش آموزان)

درصد	فراوانی		
۶۰/۶	۱۴۹	زن	جنسیت (آموزگاران)
۳۹/۴	۹۷	مرد	
۵۲/۳	۱۹۰	دختر	جنسیت (دانش آموزان)
۴۷/۷	۱۷۳	پسر	
۷/۷	۱۹	فوق دیپلم	مدرک تحصیلی
۸۵/۴	۲۱۰	لیسانس	
۶/۹	۱۷	فوق لیسانس و بالاتر	

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه) و از پرسشنامه استاندارد شده خسروی و همکاران (۱۳۹۳) با ضریب پایایی $\alpha = 0/91$ برای معلمان و $\alpha = 0/95$ برای دانش آموزان استفاده شد. این پرسشنامه با تغییرات جزئی برای دو گروه معلمان و دانش آموزان بازنویسی و بومی‌سازی شد. در پرسش‌نامه یادشده، عناصر برنامه درسی در نه طبقه کلی «اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، شیوه‌های تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا» مشتمل بر ۳۲ سؤال و در طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد طراحی شده است و نمره گذاری آن بر همین اساس از ۱ تا ۵ می‌باشد.

در زمینه اعتباربخشی، پس از تصحیح چهارچوب اولیه ابزار اندازه‌گیری توسط پنج نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی و علوم تربیتی، گروه مرجع، اعتبار و جامعیت پرسش‌نامه را مورد ارزیابی و داوری قرار دادند تا بر اساس نظرهای آن‌ها، تعدیل‌های ضروری انجام پذیرد. بدین ترتیب با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، ضریب پایایی برای معلمان $\alpha = 0/876$ و برای دانش آموزان $\alpha = 0/764$ که بیانگر اعتبار و پایایی خوب ابزار است، بدست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی مانند جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و آمار استنباطی مثل آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی سؤالات و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ استفاده شد. جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲ - شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

شاخص متغیر	نمونه	میانگین (M)	انحراف معیار SD	حداقل نمره Min	حداکثر نمره max	تعداد n
نمره کلی آسیب‌شناسی درس هنر	معلمان	۲/۹۰	۰/۲۲۳	۲/۱۷	۳/۵۵	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۸۴	۰/۲۵	۲/۱۰	۳/۴۵	۳۶۳
مطلوبیت اهداف از پیش تعیین شده	معلمان	۳/۲۰	۰/۵۶	۱/۷۵	۴/۵۰	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۳/۲۳	۰/۵۵	۱/۷۵	۴/۵۰	۳۶۳
مطلوبیت محتوای درس هنر	معلمان	۲/۸۶	۰/۴۷	۱/۵۰	۴/۵۰	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۳/۲۷	۰/۴۸	۲	۴/۵۷	۳۶۳
مطلوبیت راهبردهای یاددهی - یادگیری	معلمان	۲/۵۱	۰/۶۰	۱/۲۵	۴/۵۰	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۳۸	۰/۶۳	۱/۲۵	۴/۵۰	۳۶۳
مطلوبیت گروه‌بندی درس هنر	معلمان	۳/۱۴	۰/۵۷	۱/۵۰	۴/۵۰	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۶۷	۰/۴۹	۱/۱۷	۴	۳۶۳
مطلوبیت مواد و منابع آموزشی	معلمان	۲/۷۷	۰/۵۲	۱/۶۷	۴	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۳/۳۲	۰/۵۷	۱/۶۷	۵	۳۶۳
مطلوبیت فعالیت‌های یادگیری	معلمان	۲/۹۴	۰/۴۵	۲	۴/۲۵	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۳/۰۴	۰/۴۴	۲	۴/۲۵	۳۶۳
مطلوبیت فضای درس هنر	معلمان	۲/۶۰	۰/۸۱	۱	۴/۵۰	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۵۶	۰/۵۰	۱/۶۷	۴	۳۶۳
مطلوبیت زمان درس هنر	معلمان	۲/۵۷	۰/۵۰	۱/۶۷	۴	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۶۴	۰/۷۸	۱	۴/۵۰	۳۶۳
مطلوبیت ارزشیابی درس هنر	معلمان	۳/۱۱	۰/۶۲	۱/۳۳	۴/۳۳	۲۴۶
	دانش‌آموزان	۲/۷۹	۰/۵۶	۱/۳۳	۴/۳۳	۳۶۳

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از دیدگاه معلمان بیشترین میانگین مربوط به متغیر دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده با میانگین ۳/۲۰ و انحراف معیار ۰/۵۶ و کمترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت راهبردهای یاددهی - یادگیری با میانگین ۲/۵۱ و انحراف معیار ۰/۶۰ است؛ از دیدگاه دانش‌آموزان بیشترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت مواد و منابع آموزشی با میانگین ۳/۲۳ و انحراف معیار ۰/۵۷ و کمترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت راهبردهای یاددهی - یادگیری با میانگین ۲/۳۸ و انحراف معیار ۰/۶۳ است.

یافته‌ها

جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های تحقیق از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نرمال بودن متغیرها نشان داد که سطح معناداری برای همه متغیرها بالاتر از $(p > 0/05)$ است و لذا توزیع نرمال و استفاده از آزمون‌های پارامتریک مجاز است. برای تحلیل داده‌های حاصل از سئوالات از آزمون t تک نمونه‌ای در سطح ۰/۰۵ استفاده شد. در این پژوهش میانگین نمونه با میانگین مفهومی یا نقطه وسط طیف و میانگین مورد انتظار ۵ مقایسه شد. از آماره t در سطح ۰/۰۵ برای معنی دار بودن استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل سئوالات را نشان می‌دهد.

جدول ۳ - یافته‌های مربوط به سئوالات تحقیق

دیدگاه	معلمان	دانش‌آموزان	فاصله اطمینان ۹۵٪ جهت اختلاف میانگین و مقدار آزمون		اختلاف میانگین و مقدار آزمون	P-مقدار	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین از ۵	نمونه	متغیر
			کران بالا	کران پایین								
اهداف از پیش تعیین شده	مطلوب		۰/۲۷۵	۰/۱۳۴	۰/۲۰۵	۰/۰۰۱	۲۴۵	۵/۷۴	۰/۵۶	۳/۲۰	۲۴۶	معلمان
	مطلوب		۰/۲۹۳۹	۰/۱۷۸۵	۰/۲۳۶	۰/۰۰۱	۳۶۲	۸/۰۴	۰/۵۵	۳/۲۳	۳۶۳	دانش‌آموزان
محتوای درس هنر	نامطلوب		-۰/۰۷۴	-۰/۱۹۴	-۰/۱۳۴	۰/۰۰۱	۲۴۵	-۴/۴۰	۰/۴۷	۲/۸۶	۲۴۶	معلمان
	مطلوب		۰/۳۲۵۴	۰/۲۲۵۶	۰/۲۷۵	۰/۰۰۱	۳۶۲	۱۰/۸۵	۰/۴۸	۳/۲۷	۳۶۳	دانش‌آموزان
راهبردهای یاددهی - یادگیری	نامطلوب		-۰/۴۱۴	-۰/۵۶۵	-۰/۴۸۸	۰/۰۰۱	۲۴۵	-۱۲/۷۷	۰/۶۰۱	۲/۵۱۰	۲۴۶	معلمان
	نامطلوب		-۰/۴۲۳	-۰/۵۴۸	-۰/۴۸۵	۰/۰۰۱	۳۶۲	۸/۰۴	۰/۶۳	۲/۳۸	۳۶۳	دانش‌آموزان
گروه‌بندی	مطلوب		۰/۲۱۸	۰/۰۷۴۴	۰/۱۴۶	۰/۰۰۱	۲۴۵	۴/۰۰۷	۰/۵۷	۳/۱۴	۲۴۶	معلمان
	نامطلوب		-۰/۲۷۸	-۰/۳۷۹	-۰/۳۲۸	۰/۰۰۱	۳۶۲	-۱۲/۷۶	۰/۴۹	۲/۶۷	۳۶۳	دانش‌آموزان
مواد و منابع آموزشی	نامطلوب		-۰/۱۵۷	-۰/۲۸۹	-۰/۲۲۳	۰/۰۰۱	۲۴۵	-۶/۶۶	۰/۵۲	۲/۷۷	۲۴۶	معلمان
	مطلوب		۰/۳۸۷	۰/۲۶۸	۰/۳۲۷	۰/۰۰۱	۳۶۲	۱۰/۸۹	۰/۵۷	۳/۳۲	۳۶۳	دانش‌آموزان
فعالیت‌های یادگیری فضای	نامطلوب		-۰/۰۰۲	-۰/۱۱۵	-۰/۰۵۸	۰/۰۴۱	۲۴۵	-۲/۰۵	۰/۴۵	۲/۹۴	۲۴۶	معلمان
	متوسط		۰/۰۸۹	-۰/۰۰۲	۰/۰۴۳	۰/۰۶۶	۳۶۲	۱/۸۴	۰/۴۴	۳/۰۴	۳۶۳	دانش‌آموزان
درس هنر	نامطلوب		-۰/۳۵۹	-۰/۴۸۶	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۱	۲۴۵	-۱۳/۱۰	۰/۵۰۵	۲/۵۷	۲۴۶	معلمان
	نامطلوب		-۰/۳۸۷	-۰/۴۹۲	-۰/۴۳۹	۰/۰۰۱	۳۶۲	-۱۶/۴۹	۰/۵۰۸	۲/۵۶	۳۶۳	دانش‌آموزان

آسیب‌شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و...

زمان درس	معلمان	۲/۶۰	۰/۸۱	-۷/۵۹	۲۴۵	۰/۰۰۱	-۰/۳۹۲	-۰/۴۹۴	-۰/۲۹۰	نامطلوب
هنر	دانش‌آموزان	۳۶۳	۲/۶۴	۰/۷۸	-۸/۶۹	۳۶۲	۰/۰۰۱	-۰/۳۵۸	-۰/۴۳۹	نامطلوب
ارزشیابی	معلمان	۲۴۶	۳/۱۱	۰/۶۲	۲/۹۸۷	۲۴۵	۰/۰۰۳	۰/۱۱۹	۰/۰۴۰	مطلوب
درس هنر	دانش‌آموزان	۳۶۳	۲/۷۹	۰/۵۶	-۷/۰۳	۳۶۲	۰/۰۰۱	-۰/۲۰۹	-۰/۲۶۷	نامطلوب

میانگین مفهومی یا نقطه طیف وسط طیف پرشنامه (۳)

بر اساس جدول ۳، وضعیت اهداف از پیش تعیین شده با میانگین از پنج، $۳/۲۰$ و $۳/۲۳$ به ترتیب برای معلمان و دانش‌آموزان با میانگین مفهومی ۳ و با توجه به مقدار آماره $t(۲۴۶) = ۵/۷۴$ و $t(۳۶۳) = ۸/۰۴$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ با کران بالا و پایین مثبت از نظر معلمان و دانش‌آموزان معنی دار است. لذا باید گفت درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان به اهداف از پیش تعیین شده این درس نائل می‌شود و در شرایط مطلوب است.

در پاسخ به سئوالات ۳، ۷ و ۸ (راهبردهای یاددهی - یادگیری، فضای درس هنر و زمان درس هنر) با میانگین از پنج، $۲/۵۷$ ، $۲/۵۱۰$ و $۲/۶۰$ به ترتیب برای سه متغیر فوق از دید معلمان این درس با میانگین مفهومی ۳ و با توجه به مقدار آماره $t(۲۴۶) = -۱۳/۱۰$ و $t(۲۴۶) = -۷/۵۹$ و $t(۲۴۶) = ۱۲/۷۷$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ به ترتیب برای سه متغیر ذکر شده با کران بالا و پایین منفی، نشان دهنده این است که درس هنر از نظر معلمان در این سه شاخص از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین در نمونه دانش‌آموزان در این سه متغیر با میانگین از پنج به ترتیب، $۲/۳۸$ ، $۲/۶۴/۵۶$ و میانگین مفهومی ۳ مقدار آماره $t(۲۴۶) = ۸/۰۴$ و $t(۳۶۳) = -۱۶/۴۹$ و $t(۳۶۳) = -۸/۶۹$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ با کران بالا و پایین منفی نیز نشان داد که از نظر دانش‌آموزان در این سه متغیر درس هنر شرایط مطلوبی ندارد.

در پاسخ به سئوالات ۲ و ۵ بر اساس جدول ۳، (محتوای درس هنر، مواد و منابع آموزشی) میانگین نمونه در هر دو سؤال در گروه دانش‌آموزان، با میانگین از پنج به ترتیب برابر $۳/۲۷$ و $۳/۳۲$ و میانگین مفهومی ۳ مقدار آماره $t(۲۴۶) = ۱۰/۸۵$ و $t(۳۶۳) = ۱۰/۸۹$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ با کران بالای مثبت نشان دهنده این است که محتوای درس هنر، مواد و منابع آموزشی از دید دانش‌آموزان از شرایط مطلوب برخوردار است، در حالیکه از نظر معلمان، میانگین نمونه $۲/۸۶$ و $۲/۷۷$ از ۵ به ترتیب برای این دو متغیر و میانگین مفهومی ۳ مقدار آماره $t(۲۴۶) = -۴/۴۰$ و $t(۲۴۶) = -۶/۶۶$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ از دید معلمان در این دو متغیر درس هنر از شرایط مطلوبی برخوردار نیست.

بر اساس نتایج سئوالات ۴ و ۹ از جدول ۳ (گروه‌بندی و ارزشیابی درس هنر) میانگین نمونه در هر دو سؤال در گروه معلمان $۳/۱۴$ و $۳/۱۱$ از ۵ به ترتیب برای دو متغیر فوق و میانگین مفهومی ۳ و مقدار آماره $t(۲۴۶) = ۲/۹۸۷$ و $t(۲۴۶) = ۴/۰۰۷$ و $p \leq ۰/۰۰۱$ با کران بالای مثبت نشان دهنده این است که گروه‌بندی و ارزشیابی درس هنر از دید معلمان از شرایط مطلوب برخوردار است. در حالیکه از نظر دانش‌آموزان میانگین این دو متغیر $۲/۶۷$ و $۲/۷۹$ از ۵ و میانگین مفهومی ۳ مقدار آماره $t(۲۴۶) = -۱۲/۷۶$ و $t(۳۶۳) = -۷/۰۳$ و $p \leq ۰/۰۰۳$ ، نشان دهنده این است که از دید دانش‌آموزان این دو متغیر در وضعیت مطلوبی نیستند.

در متغیر فعالیت‌های یادگیری از جدول ۳ میانگین نمونه در گروه معلمان (۲/۹۴) از ۵ و میانگین مفهومی ۳ و مقدار آماره t تک نمونه ای) $t(246) = -2/05$ و $p \leq 0/004$ با کران بالا و پایین منفی نشان دهنده عدم مطلوبیت از دید معلمان است، در حالیکه در این متغیر میانگین نمونه در گروه دانش آموزان (۳/۰۴) از ۵ و میانگین مفهومی ۳ مقدار آماره t تک نمونه ای) $t(363) = 1/84$ و $p > 0/05$ با کران پایین منفی و کران بالا مثبت از نظر دانش آموزان در سطح متوسط است.

بحث و نتیجه گیری

آموزش هنر یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی است. سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت در جهان امروز به اهمیت درس هنر آگاهند و درصدد بهره‌گیری از این درس برای آموزش مهارت‌های هنری و لذتبخش نمودن فرآیند یاددهی-یادگیری هستند. لذا توجه به تربیت ابعاد هنری دانش‌آموزان را در صدر برنامه‌های خود دارند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که اهداف از پیش تعیین‌شده درس هنر از نظر معلمان و دانش‌آموزان مطلوب است. این یافته با نتایج تحقیقات محققینی همچون تاسدمیر (۲۰۱۵)، هودسون و همکاران (۲۰۱۷)، و همچنین با نتایج تحقیقات یاسمی، خمیس آبادی و کیان (۱۳۹۳) که نشان دادند اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی با اهداف کلی سند برنامه درسی انطباق داشته همخوانی دارد. اما با نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق رحیمی و احمدیان، (۱۳۹۶) که نشان داد، میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان مقاطع ابتدایی در سه حیطه دانش، نگرش و مهارت در حد متوسط بود، همخوانی ندارد. عدم امکان‌ات لازم، نگاه سنتی و محدود به فعالیت‌ها و برنامه‌های درس هنر می‌تواند از جمله عواملی باشد که نوع نگرش به درس هنر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. است. همچنین در سوال دوم نتایج حاکی از آن بود که از نظر دانش‌آموزان محتوی و مواد آموزشی درس هنر از مطلوبیت برخوردار بوده درحالیکه از نظر معلمان تا رسیدن به جایگاه مطلوب در بعد محتوی و مواد آموزشی فاصله زیادی وجود دارد. نتیجه حاصل از نگاه معلمان با تحقیقات زیادی مانند دیکابا (۲۰۱۲) که نشان داد حوزه‌های محتوایی مختلف (نقد هنری، تاریخ هنری، زیبایی‌شناسی و تولید هنری) اغلب به‌طور متغیر و انعطاف‌پذیری در سرتاسر کتاب‌های درسی هنر نیامده است، یافته‌های مطالعه دونینگ (۲۰۱۵) که نشان می‌دهد: توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی هسته‌ای، نادیده گرفته شوند، و نتایج تحقیق زمانی دارانی، (۱۳۹۵) که نشان داد محتوای نامناسب کتاب درسی از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است همخوانی دارد. علاوه بر این نتایج، تحقیق رضاییان کوچی و رضایی، (۱۳۹۶) که نشان دادند در هیچ‌یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد و این عناصر کاملاً نادیده گرفته شده‌اند و نتایج تحقیق قنبری؛ رحیمی شهواری و چمن‌نژاد، (۱۳۹۵) که نشان داد در محتوای برنامه درسی هنر و در برنامه درسی هنر پایه‌های اول تا سوم مقطع ابتدایی به برخی مؤلفه‌های زیباشناسی توجه نگردیده است، همخوانی وجود دارد. عدم رضایت معلمان درس هنر از محتوی ارائه شده نشان از نگاه حداقلی حوزه‌های ستادی به موضوعاتی مثل درس هنر در تدوین و تالیف محتوی است که از نظرات معلمان که به تدریس این موضوع در مدارس مشغولند، کمتر استفاده می‌شود، برمی‌گردد. نگاه ایده‌آلی معلمان این درس که بهتر از هر کسی می‌دانند استفاده از فعالیت‌های هنری تاثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان خواهد داشت، می‌تواند بخشی از واقعیت‌های موجود باشد.

اتفاق نظر دانش آموزان و معلمان در نامناسب بودن راهبرهای یاددهی- یادگیری از نتایج سؤال سوم این پژوهش با تحقیقات محققینی همچون لیو (۲۰۱۳) آلتز و همکاران (۲۰۱۶) دیویس (۲۰۱۰) زمانی دارانی، (۱۳۹۵) همخوان است. مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دبیران غیر تخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی دانش آموزان در شناخت حوزه موردعلاقه خود می‌تواند از جمله عوامل این مسئله باشد. معلمان در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان به دلیل مسائلی نظیر ضعف تخصص در آموزش هنر، کمبود وقت، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت درس هنر عموماً مسائلی هستند که زمینه بی‌توجهی به درس هنر در مدارس شده است. در موضوع گروه بندی درس هنر از سؤال چهارم، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که معلمان نظر مطلوبی به این موضوع دارند و این نتیجه با نتایج تحقیقات محققینی همچون تاسدمیر (۲۰۱۵) دیویس (۲۰۱۰) زمانی دارانی، (۱۳۹۵) که نشان دادند مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است، سنجابی و خرم‌آبادی، (۱۳۹۴) که از مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی معلمان به درس هنر در مقطع ابتدایی را عدم شناخت اهداف درس هنر در این مقطع و نداشتن آگاهی و علاقه لازم جهت تدریس درس هنر می‌دانند، همخوان است. نتایج یافته‌های سؤال پنجم (مواد و منابع آموزشی درس هنر) در تحقیق حاضر نشان داد که معلمان مواد و منابع آموزشی را برای تدریس درس هنر مطلوب و قابل قبول نمی‌دانند که این با نتایج تحقیقات محققینی همچون لودرمیک (۲۰۰۲) آلتز و همکاران (۲۰۱۶)، آیین (۲۰۱۲)، رضاییان کوچی و رضایی، (۱۳۹۶) که نشان دادند در هیچ‌یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد، همخوانی دارد. علت بخش عمده‌ای از گله‌مندی و دغدغه معلمان عدم اهتمام به تولید وسایل و مواد چاپی و غیرچاپی به روز در درس هنر با تاکید بر دوره ابتدایی است. آنچه هم که تولید شده است با وجودیکه دانش آموزان به حداقل‌ها راضی هستند، با انتظارات و توقعات معلمان این درس که از ظرفیت‌ها و پتانسیل این درس بیش از همه آگاهی دارند، هماهنگ نیست. این امیدواری وجود دارد که با تشکیل کارگروه‌های ویژه در همه دروس در دفتر کتب تالیف بتوان هم به منابع و محتوای به روز و علمی دست یافت و هم از نظرات حرفه‌ای معلمان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در آینده استفاده گردد.

نتایج حاصل از بررسی نظرات معلمان در زمینه مطلوبیت فعالیت‌های یادگیری درس هنر در سؤال ششم از پژوهش حاضر نشان داد که معلمان این درس مجموعه فعالیت‌های کمی و کیفی در برنامه رسمی و فعالیت‌های خارج از مدرسه را نامطلوب و کافی نمی‌دانند که این نتیجه با پژوهش‌های محققینی همچون ایوای (۲۰۱۳) دیکابا (۲۰۱۲)، رضاییان کوچی و رضایی، (۱۳۹۶) که نشان دادند در هیچ‌یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد و همچنین فعالیت در خصوص گرایش‌های فرهنگی در تمام فصل‌های کتاب گنجانده نشده بود و به این مهم کمتر توجه شده است، همخوانی دارد. تحقیقات زیاد دیگری وجود دارد که با این نتیجه همخوان است و این نشان از عدم توجه به وجود فعالیت‌های متنوع که برای دانش آموزان شوق و انگیزه بیشتری در این زمینه را ایجاد نماید، دارد. از جمله تحقیقات ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳) که نشان دادند در تدریس برنامه

درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است، همسو و هماهنگ است. بنابراین لزوم توجه جدی به مقوله فعالیت‌های یادگیری که دانش‌آموزان هم در این تحقیق آنها را نامناسب و ناکافی می‌دانند، از ضروریات است.

نتایج تحقیق حاضر از سؤال هفتم در هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان در خصوص فضای درس هنر نشان داد که از این حیث فضای مناسبی برای انجام حداقل فعالیت‌های هنری در مدارس موجود نیست که این نتیجه با یافته‌های عباسی؛ طباطبایی و مرتضی (۱۳۹۴) که نشان دادند فقدان امکانات، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر، بی‌توجهی برنامه‌ریزان درسی و مسئولین از مشکلات این درس، همسو است. همچنین با بخشی از نتایج تحقیق دونینگ (۲۰۱۵) که نشان داد توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی، نادیده گرفته شوند و اینکه فشار وجود جداول عملکردی برای مدرسه موجب تحمیل فشار بر درس هنر می‌شود و معلمان شرکت‌کننده در مطالعه، خواهان آموزش مطلوب هنر برای کودکان بودند و نیاز به پشتیبانی در تداوم آن را خواستار شدند، همخوانی دارد. از آنجایی که پیش‌بینی دروس مختلف در برنامه درسی دوره ابتدایی فلسفه و مبانی خاص خود را دارد و بعضی از این دروس چنانچه در دوران اولیه تحصیل مورد توجه واقع نشوند، نمی‌توان به استعداد و توان دانش‌آموزان در آن زمینه پی برد، اختصاص فضای فیزیکی مناسب، منظم و مجهز و تمهید ابزارها و امکانات مناسب برای انجام فعالیت‌های هنری از اولویت‌ها در این زمینه خواهد بود.

عدم زمان کافی و بی‌توجهی در چینش درس هنر در بین سایر دروس و اختصاص زمان‌های نامناسب به برنامه درسی هنر در برنامه هفتگی از نتایج تحقیق حاضر در سؤال هشتم بود که با یافته‌های محققینی همچون تاسدمیر (۲۰۱۵)، ایوای (۲۰۱۳) آلتر و همکاران (۲۰۱۶)، حیدرزادگان، سویزی و افشاری (۱۳۹۲) و تحقیق زمانی دارانی (۱۳۹۵) که نشان دادند مسائلی نظیر کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی دانش‌آموزان در شناخت حوزه موردعلاقه خود از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است، همسو است. بخشی از مشکلات این درس و محدودیت‌هایی که باعث می‌شود نتوان به حداقلی از ایده‌آلها دست یافت به نگاه و نگرش سایر معلمان و مدیریت مدرسه دارد. چنانچه دانش و اطلاعات مدیران و سایر کادر مدرسه در زمینه اهمیت این درس و نقشی که در یادگیری و توسعه دانش و توانش دانش‌آموزان در سایر دروس دارد، به آنان تفهیم شود می‌تواند گامی در جهت بهبودی و حل مشکلات درس هنر در این خصوص باشد.

تفاوت در نگاه معلمان و دانش‌آموزان به موضوع مهم ارزشیابی درس هنر از نتایج این تحقیق در سؤال نهم که معلمان آنرا مطلوب و دانش‌آموزان نامطلوب ارزیابی کرده‌اند، با نتایج یافته‌های محققینی همچون، لودرمیک (۲۰۰۲)، آیین (۲۰۱۲)، دیویس (۲۰۱۰)، زمانی دارانی، (۱۳۹۵) که نشان دادند مسائلی نظیر واگذاری تدریس هنر به دبیران غیرتخصصی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر و تحقیق ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳) که نشان دادند تجربه معلمان در تدریس هنر دوره ابتدایی در دو مقوله (دستاوردهای مثبت) و چالش‌های منفی (ضعف ارج‌گذاری به هنر) همخوانی دارد. عدم آگاهی و اطلاع دانش‌آموزان از معیارها و شاخص‌های ارزیابی از سوی دانش‌آموزان از یک طرف و بکارگیری برخی از شاخص‌های ذهنی در ارزشیابی و ارزیابی فعالیت‌ها و دستاوردهای

دانش آموزان می‌تواند زمینه ایجاد این تفاوت در نگاه معلمان و دانش آموزان به مهمترین و راهبردی ترین موضوع یعنی ارزشیابی درس هنر از ابعاد مختلف باشد

بنابراین با توجه به اینکه معلمان و دانش آموزان مخاطبان درس هنر هستند، بهتر است به نقش مشارکتی آنها در تدوین هدف های درس هنر بیشتر توجه شود. زیرا که تصریح هدف های از پیش تعیین شده در مرحله تدوین و طراحی، اغلب نوعی الزام به یادگیری جهت دار را در فرایند یادگیری و دانش آموزان خواهد کرد. هماهنگی میان عناصر برنامه درسی هنر در مرحله طراحی و تدوین می‌تواند به کاهش چالش های زیادی در اجرا کمک نماید. برای مثال تناسب اهداف با روش های ارزشیابی و تصمیماتی که درباره فعالیت های یاددهی - یادگیری، منابع و مواد آموزشی اتخاذ می‌شود می‌تواند در اثربخشی و کارآمدی برنامه درس هنر در اجرا موثر واقع شود. با توجه به یافته های پژوهش، مولفه های محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، مواد و منابع آموزشی، فعالیت های یادگیری، فضا و زمان از نظر معلمان نامطلوب است. همچنین راهبردهای یاددهی - یادگیری، گروه بندی، فضا، زمان و ارزشیابی درس هنر از نظر دانش آموزان نامطلوب گزارش شده است. انتخاب این عناصر بایستی براساس علایق دانش آموزان و مشارکت فراگیر معلمان انجام شود. به دانش آموزان باید فرصت بیان علایق در مولفه های فوق داده شود. رویکرد متمرکز تدوین و طراحی کتاب های درسی از سوی آموزش و پرورش باید با انعطاف پذیری معقول و منطقی فضایی را برای اظهار نظر، مشارکت و هم آوایی معلمان و دانش آموزان ایجاد نماید. این پژوهش در جامعه ای محدود انجام شده است، لذا در تعمیم نتایج به دیگر شهرستان ها باید احتیاط لازم را مد نظر داشت.

منابع

- افخمی قادی، فایزه، عارفی، محبوبه. (۱۳۹۶). بررسی دیدگاه معلمان پایه چهارم ابتدایی درباره استفاده از مؤلفه‌های هنر در محتوای برنامه درسی و تأثیر آن در یادگیری دانش آموزان، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر
- براتی، حمید و محبوبه سلیمان پورعمران (۱۳۹۴). سواد هنری در برنامه درسی، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، استان خوزستان - شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان.
- حاجی حسینی، غلامرضا (۱۳۸۸). آموزش هنر در مقطع ابتدایی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات، ششمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی، شیراز، انجمن مطالعات برنامه درسی، دانشگاه شیراز.
- حسینی ده میری، سید محمود و علی ترابی زیارتگاهی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش هنر توسط دبیران متخصص در مقطع ابتدایی، کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط‌زیست؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس حسینی راد، مریم (۱۳۹۱). مشکلات تدریس هنر، تهران: رشد آموزش هنر، دوره نهم، شماره ۴، تابستان.
- حمزه لو، زهره؛ محمد حسین یار محمدیان و نرگس کشتی آرای (۱۳۹۴). چگونگی برنامه درسی اجرا شده هنر دانشگاه فرهنگیان بر اساس ارزشیابی خبرگی آیزنر، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران، موسسه برگزارکننده همایش‌های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
- حیدرزادگان، علی رضا؛ سوزی، مجتبی، افشاری، غلامحسین (۱۳۹۲). ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی بر اساس رویکرد تربیت هنری، همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، بیرجند، دانشگاه بیرجند.
- خسروی، رحمت‌اله؛ فتحی‌واجارگاه، کورش و آشتیانی، ملیحه (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی در نظام آموزش متوسطه نظری. دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، دانشگاه شاهد، سال بیست و یکم، شماره ۴، ۱۸-۱.
- رحیمی، زینب، احمدیان، افشار (۱۳۹۶). بررسی میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان مقاطع ابتدایی، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- رستگاری، نرجس و فایزه ناطقی (۱۳۹۴). ادغام هنر در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، به‌عنوان گامی در جهت تربیت حرفه‌ای مؤثر، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه - استانبول، شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا.

- رستگاری، نرجس و فائزه ناطقی (۱۳۹۳). ادغام هنر در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، به‌عنوان گامی در جهت تربیت حرفه‌ای مؤثر، کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- رضاییان کوچی، طیبه، رضایی، الهه (۱۳۹۶). تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمای معلم درس هنر مقطع ابتدایی از منظر گرایش‌های فرهنگی و سبک‌های یادگیری، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. شیراز: موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- زمانی دارانی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان یک پژوهش کیفی؛ مورد مطالعه شهرستان فریدن، سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، موسسه پژوهشی مدیریت مدرن. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- سنجابی، حاتم، خرم‌آبادی، یدالله (۱۳۹۴). بررسی علل عدم توجه معلمان به درس هنر در مقطع ابتدایی، همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی، استانبول، موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- شرفی، حسن و نادر سلسیلی (۱۳۸۹). اثرگذاری فرصت‌های یادگیری، در تعامل نظریه و عمل برنامه درسی و آموزش هنر، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات ۱۱ (۱۱).
- شرفی، حسن (۱۳۸۵). ارزیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (نقاشی، کاردستی و خوشنویسی) از دیدگاه مدیران و دانش‌آموزان در منطقه یک تهران، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی ۲ (۴).
- شرفی، حسن (۱۳۸۷). کارکرد فرصت‌های یادگیری متناسب با جهانی‌شدن و بومی‌گرایی در برنامه‌ی درسی و آموزش هنر، هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی، بابلسر: انجمن مطالعات برنامه درسی.
- صفری، اسماعیل و محسن نظرزاده زارع (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی ۲ (۱۶).
- عباسی، حسین و ابراهیم یعقوب‌زاده (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجرای مهارت‌های کاردستی و ساخت آن در برنامه درسی هنر در بروز خلاقیت نوآموزان پیش‌دبستانی، کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- عباسی، پروین، طباطبایی، مینو، مرتعب، اعظم (۱۳۹۴). بررسی موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد: دانشگاه تربت‌حیدریه.
- فروزان فر، فریا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر برنامه درسی هنر با بهره‌گیری از کاردستی بر خلاقیت کودکان، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، تهران: موسسه سرآمد همایش کارین.

قنبری، محسن؛ عصمت رحیمی شهواری و مرتضی چمن نژاد (۱۳۹۵). تحلیل محتوای برنامه درسی هنر پایه‌های اول تا سوم مقطع دبستان از حیث میزان توجه به مؤلفه‌های زیباشناسی با روش تحلیل محتوا، *مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی* ۱۳ (۲).
 مخبریان، محمد (۱۳۹۶). *اصول طراحی آموزشی درس هنر برای معلمان مقطع ابتدایی*، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.
 منافی، فاطمه؛ رؤیا منصف؛ زهرا یوسف نیا و فهیمه یاری (۱۳۹۴). تأثیر روش تدریس قضاوت عملکرد بر میزان یادگیری درس هنر دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
 هوشدار، لیلا؛ کاظم گرام و داود تقوایی (۱۳۹۴). همبستگی بین اشکال ارائه ثانویه و میزان یادگیری مستقل دانش‌آموزان پایه اول ناحیه یک تهران در درس هنر، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان.
 یاسمی، صدیقه، خمیس آبادی، فاطمه، کیان، مرجان (۱۳۹۳). *تحلیلی بر جایگاه برنامه درسی هنر مبتنی بر سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش*، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت، شرکت اندیشه‌سازان مبتکر جوان.

Alter, Frances; Hays, Terrence, O'Hara Rebecca (۲۰۱۶). The Challenges of implementing Primary Arts Education: What Our Teachers Say, *Australasian Journal of Early Childhood*, Volume ۳۴, Number ۴.

Ayben, Elliot (۲۰۱۲). *The Lessons the Arts Teach, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries Proceedings from an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January*, Los Angeles.

Davies, Dan (۲۰۱۰). *Enhancing the role of the arts in primary pre-service teacher education. Bath Spa University*, Newton Park, Bath, Somerset BA۲۹BN, England, UK.

Dichaba, Edwin (۲۰۱۲). *A Thematic Based Art Appreciation Curriculum for Pedagogical Training of Junior Secondary School Teachers in Bostswana*. Unpublished Master's Thesis, Central Connecticut State University.

Downing, Dick (۲۰۱۵). Saving a place for the arts? A survey of the arts in primary schools, *Education Journal*, Issue ۷۲.

Hudson, Peter & Hudson, Sue (۲۰۱۷). Examining Preservice Teachers' Preparedness for Teaching Art. *International Journal of Education & the Arts*, Volume ۸, Number ۵.

Iwai, Kaori (۲۰۱۳). The Contribution of Arts Education to Children's Lives, Paper presented at Preparedness for Teaching Art, *International Journal of Education & the Arts*, Volume ۸ Number ۵.

Liu, Hua. (۲۰۱۳). Practical Teaching Research of College Art Design, *Informatics and Management Science I, Lecture Notes in Electrical Engineering*, Volume ۲۰۴, pp ۵۷۷-۵۸۳.

Loudermilk, Michelle. Lynn (۲۰۰۲). *The use of aesthetics in a comprehensive art curriculum*. MA, Marshall University. Huntington, West Virginia.

Taşdemir, Vicdan. (۲۰۱۵). Attitudes of the students of primary education class teaching department to the visual arts education course, Marmara University, Atatürk Faculty of Education, Primary Education Department, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. ۲, no. ۲, pp. ۲۵۷۲-

۲۵۷۶